
رجعت زنان*

فاطمه عنایتی**

*. نوشتار حاضر از طرف پژوهشکده انتظار نور وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم در اختیار فصلنامه قرار گرفته است.
** محقق و پژوهشگر مباحث مهدویت

چکیده

از باورهای ویژه شیعیان، اعتقاد به رجعت و حیات مجدد افراد و گروه‌های خاص در پایان تاریخ و ظهور امام زمان علیه السلام است. رجعت، باوری است که مخالفان، با پرسش‌ها و شبهه‌ها فراوانی در صدد مخدوش جلوه دادن آن بر آمده‌اند؛ از این رو برای اثبات و تقویت باورداشت رجعت و نیز برای پاسخ‌گویی به شبهه‌ها و سؤالات مخالفان، پژوهش درباره رجعت ضروری است. از سوی دیگر، برای جامعه زنان که نیمی از جمعیت انسانی را تشکیل می‌دهند نیز پرسش‌هایی مطرح است از جمله این که آیا زنان در رجعت، هنگام قیام امام زمان علیه السلام و تشکیل حکومت جهانی مهدوی، مشارکت دارند؟ این نوشتار در صدد پاسخ‌گویی به سؤالات فوق، با تمرکز بر نقش زنان می‌باشد: واژه‌های کلیدی: رجعت، زنان، فلسفه رجعت، رجعت‌کنندگان، اثبات رجعت.

مقدمه

یکی از اعتقادات مکتب شیعه، رجعت برخی مردگان به دنیا، پیش از قیامت است. عالمان شیعه، با عنایت به قرآن و روایات معصومان علیهم السلام اعتقاد به چنین پدیده‌ای را یکی از ضروریات مذهب شیعه تلقی کرده‌اند. البته برخی به ضروری بودن آن به

دیده تردید نگریسته‌اند؛ اما انکار آن را جایز نمی‌دانند. بسیاری از علما بر اثبات آن اجماع کرده‌اند، بزرگانی هم چون طبرسی صاحب تفسیر مجمع البیان^۱، شیخ حر عاملی^۲، امین الدین طبرسی^۳، شیخ صدوق^۴، حسن بن سلیمان بن خالد حلّی^۵، شیخ مفید^۶، سید مرتضی^۷، علامه مجلسی^۸، ابوالحسن شریف^۹ و... برخی نیز رجعت را از ضروریات مذهب بر شمرده‌اند؛ چنان که علامه مجلسی^{۱۰} و شیخ حر عاملی^{۱۱} بر این باورند.

رجعت در لغت

رجعت از ماده «رجع» و اصل آن به معنای بازگشت پس از رفتن است.^{۱۲} صاحب مجمع البیان «رجعة» و «الرجعة» را بازگشت به دنیا پس از مرگ بیان کرده و مصدر آن را «الرجوع» به معنای بازگشت به ابتدا ابراز کرده است و هم‌چنین: الرجوع، العود.^{۱۳}

هم‌چنین در مجمع البحرین درباره معنای «الرجعة» می‌گوید:

الرجعة به فتح راء، یعنی یک بازگشت پس از مرگ و بعد از ظهور مهدی علیه السلام و

۱. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۳۴.
۲. محمد بن حسن شیخ حر عاملی، الايقاظ من المجعه بالبرهان علی الرجعه، ص ۲۳.
۳. محمد رضا طبرسی، الشیعه و الرجعة، ص ۲۴۳.
۴. علی بن بابویه قمی شیخ صدوق، الاعتقادات و مصنفات شیخ مفید، ج ۵، ص ۶۰.
۵. محمد رضا طبرسی، الشیعه و الرجعة، ص ۲۴۴، به نقل از مختصر بصائر الدرجات، ص ۱۳.
۶. محمد بن محمد بن نعمانی شیخ مفید، اوائل المقالات فی المذاهب و المختارات، ص ۴۶.
۷. سید مرتضی علم الهدی، علی بن الحسین موسوی، رسائل الشریف المرتضی، ج ۱، ص ۱۲۶.
۸. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۲۲.
۹. ابوالحسن عاملی شریف، مرآة الانوار و مشکوة الاسرار، مقدمه تفسیر البرهان.
۱۰. محمد باقر مجلسی، حق الیقین، ص ۳۵۵.
۱۱. محمد بن حسن شیخ حر عاملی، الايقاظ، ص ۶۷ و ۴۹.
۱۲. محمد جمیل حمود، الفوائد البهیة، ج ۲، ص ۳۱۸.
۱۳. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۷، ص ۳۵۰.

آن، از ضروریات مذهب است...^۱

رجعت در اصطلاح

رجعت در اصطلاح، عبارت است از این که خداوند، هم زمان با زمان ظهور مهدی علیه السلام عده‌ای از بندگان صالح که در ایمان و عمل، خالص بوده‌اند و نیز عده‌ای از کفار و منافقان که در کفر و نفاق، سرآمد بوده‌اند را با همان ویژگی‌های روحی و جسمی خود به دنیا برمی‌گرداند، تا هر دو گروه، در حد امکان نتیجه دنیایی اعمال‌شان را دریافت کنند.^۲

آن‌چه در بازگشت دو گروه مؤمنان خالص و نیز کفار واقعی به آن اشاره شده، وصف صالح و منافق است، نه مرد و زن.

در معنای اصطلاحی رجعت سید مرتضی می‌فرماید:

بدان همانا آن‌چه که شیعه دوازده امامی معتقد است، این است که خداوند، هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام گروهی از شیعیان او و گروهی از دشمنان آن حضرت را که پیش‌تر مرده‌اند، برمی‌گرداند تا به ثواب یاری آن حضرت برسند و نیز از دشمنان انتقام گرفته شود...^۳

طبق آن‌چه از احادیث برداشت می‌شود، رجعت، عمومی نیست؛ بلکه مخصوص عده‌ای از مؤمنان خالص و کفار معاند است. هم‌چنین سر سلسله رجعت‌کنندگان، انبیا، امامان معصوم علیهم السلام و دشمنان آنان هستند. امام صادق علیه السلام در این زمینه می‌فرماید:

۱. فخرالدین طریحی، *مجمع البحرین*، ج ۱، ص ۱۵۰.

۲. شیخ عبدعلی بن جمعه عروسی حویزی، ج ۴، ص ۱۰۰؛ محمدباقر مجلسی، *بحارالانوار*، ج ۵۳، ص ۳۹.

۳. اعلم انّ الذی تذهب إليه الشيعة الامامية أنّ الله يعيد عند ظهور الامام المهدي علیه السلام قوماً ممن كان قد تقدّم موتهم من شيعته ليفوزوا بثواب نصرته و يعيد أيضاً قوماً من أعدائه لينتقم منهم... (سید مرتضی، *رسائل الشریف*، ج ۱، ص ۱۲۵؛ *سفینة البحار*، ج ۳، ص ۳۱۵)؛ محمدباقر مجلسی، *بحارالانوار*، ج ۵۳، ص ۱۳۸، محمدبن حسن حرّ عاملی، *الايقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة*، باب ثانی، نقل از سید مرتضی، ص ۵۸.

رجعت، عمومی نیست؛ بلکه اختصاصی است و تنها مؤمنان یا مشرکان محض، رجعت می‌کنند.^۱

رجعت در امت‌های گذشته

بازگشت، میان امت‌های گذشته، بسان رجعت اصطلاحی در عقاید شیعه نیست؛ ولی آیات متعددی بر وقوع رجعت در امت‌های گذشته دلالت می‌کند. افراد زیادی از پیامبر و غیرپیامبر، مؤمن و غیرمؤمن (زن و مرد) در امت‌های پیشین زنده شده و به دنیا برگشته‌اند.^۲ یکی از نمونه‌های رجعت، بازگشت مقتول بنی‌اسرائیل به دنیا می‌باشد. قرآن، این ماجرا را این گونه نقل می‌کند:

[و به خاطر آورید] هنگامی را که فردی را به قتل رساندید. سپس درباره

[قاتل] او به نزاع پرداختید... خداوند، این گونه مردگان را زنده می‌کند...^۳

خداوند، در این آیه، در پایان داستان احیای مردگان - چه زن و مرد و مؤمن و کافر - را یک سنت و قانون همیشگی در نظام عالم معرفی کرده و آن را به عنوان قدرت خودش به رخ انسان‌ها می‌کشد تا درباره آن بیندیشند.^۴

در این آیه، جمله «كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَى» به قیامت و یا برزخ اختصاص ندارد؛ بلکه به صورت یک قانون عمومی و فراگیر برای همهٔ زمان‌ها، مکان‌ها و امت‌ها در شرایط مساوی براساس حکمت الهی جاری خواهد بود. در واقع، هرگاه حکمت الهی اقتضا کند، خداوند، با قدرت بی‌نهایت خویش، مردگان را زنده خواهد کرد. از این آیه و داستان نتیجه می‌گیریم احیای مردگان، به همهٔ انسان‌ها اعم از زن و مرد مربوط است و نشانه‌ای از قدرت الهی است.

۱. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۳۹.

۲. بقره: ۵۵ و ۵۶ و ۲۰۶ و ۲۴۳؛ آل عمران: ۴۹؛ مائده: ۱۱۰.

۳. «وَ إِذْ قَاتَلْتُمْ نَفْسًا فَاذَّارَءُتُمْ فِيهَا ... كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَى ...»، بقره: ۷۳ و ۷۲.

۴. خداوند، پس از بیان داستان‌های شخصی، با کلمه «كذلك» ممکن بودن آن را در نظام عالم بیان می‌کند.

این آیه، نشان‌گر فراگیر بودن رجعت در هر زمان و مکان است، و در آن، امت‌های مؤمن خاص و کافر خاص در هر زمان و مکانی که بودند - چه زن و چه مرد - با شرایط مساوی، براساس حکمت و قدرت بی‌نهایت الهی، زنده شده و به دنیا برمی‌گردند، تا مؤمنان (زن و مرد) از وعده الهی خرسند شوند و از کافران انتقام بگیرند. در این مقاله، به اثبات رجعت از دیدگاه عقل و نقل، هدف رجعت و رجعت‌کنندگان زمان ظهور خواهیم پرداخت.

فصل اول

اثبات رجعت

۱. برهان عقلی

عقل هیچ مانعی برای زنده‌شدن مردگان تصور نمی‌کند و آن‌را کاملاً ممکن می‌داند. روشن و واضح است که زنده کردن و حیات دادن خداوند به اشیاء بر دو قسم است: گاه خداوند از هیچ و عدم موجود زنده‌ای خلق می‌کند؛ یعنی بدون داشتن هیچ سابقه‌ای، مثل خلقت اولیه انسان و هر موجود دیگری و گاهی اجزاء و عناصر پراکنده یک موجود را جمع می‌کند و حیاتی دوباره می‌دهد (یعنی گاه خلقت جعل بسیط است و بدون سبق ماده سابقی و گاه بنحو جعل مرکب) وقتی خلقت به صورت اول برای عقل ممکن شد خلقت و حیات دادن دوم به مراتب آسان‌تر و قابل قبول‌تر خواهد بود.

عدم امکان این مطلب یا به دلیل نقص در فاعلیت فاعل است یا در قابلیت قابل؛ یعنی این که خداوند قدرت زنده کردن مردگان را ندارد یا بدن و روح، قابلیت زنده‌شدن را ندارد؛ در حالی که ما در طول شبانه‌روز، هم فاعلیت فاعل را و هم قابلیت قابل را در جهان مشاهده می‌کنیم. پس هیچ عاقلی - چه رسد به مسلمان - در امکان رجعت شک و نزاعی ندارد؛ چون با این کار، هم قدرت خداوند را منکر می‌شود و هم سر از شرک و انکار قبر، عالم برزخ و معاد جسمانی در می‌آورد.

مرحوم سید مرتضی در این باره می‌فرماید: «در آن چه شیعه از رجعت معتقد است، هیچ اختلافی بین مسلمانان، بلکه موحدان نیست»^۱.
 رجعت در این دنیا با حیات مجدد در روز رستاخیز مشابهت دارد. رجعت و معاد، دو پدیده همگون هستند؛ با این تفاوت که رجعت، با افق محدود و با قلمرو دنیایی، قبل از قیامت به وقوع می‌پیوندد؛ ولی در رستاخیز، همه انسان‌ها، از ابتدا تا انتهای خلقت، برانگیخته خواهند شد. بنابراین کسانی که امکان حیات مجدد را در روز رستاخیز پذیرفته‌اند، باید رجعت را که زندگی دوباره در این جهان است، ممکن بدانند.
 رجعت عالمی است با ویژگی‌های خاص خود که نه دقیقاً هم چون عالم دنیا است و نه همانند عالم آخرت، و در عین حال برزخ هم نیست.
 علامه طباطبایی در این باره می‌فرماید:

رجعت از مراتب روز قیامت می‌باشد؛ اگر چه در کشف و ظهور، پایین‌تر از روز قیامت است. دلیل پایین‌تر بودن از قیامت امکان فی الجملة راه یافتن فساد و شر در آن است، بر خلاف قیامت [که هیچ فساد و شری در آن راه نخواهد یافت]؛ به همین دلیل، روز ظهور مهدی علیه السلام گاه به قیامت ملحق شده است، به دلیل ظهور و غلبه کامل حق.^۲

معاد، یعنی برگشت روح انسان به بدن. حال اگر چنین بازگشتی در آن مقطع زمانی (قیامت) ممکن باشد، طبعاً بازگشت آن به این جهان، قبل از قیامت ممکن خواهد بود؛ چرا که امر محال در هیچ زمانی امکان وقوع ندارد.

فیلسوف بزرگ اسلامی، صدر المتألهین علیه السلام می‌فرماید:

در باب اعتقادات، آنچه قابل پیروی است یا دلیل و برهان است یا نقل

۱. سید مرتضی، رسائل، ج ۳، ص ۱۳۵.

۲. إن الرجعة من مراتب يوم القيامة وإن كان دونه في الظهور، لإمكان الشر والفساد فيه في الجملة دون يوم القيامة، ولذا لك ربما الحق به يوم ظهور المهدي علیه السلام أيضاً، لظهور الحق فيه تمام الظهور...؛ محمدحسین علامه طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۱۰۹.

صحيح و قطعی که از اهل بیت علیهم السلام رسیده باشد. روایات صحیح فراوانی از امامان و سرورانمان دربارهٔ درستی عقیده به رجعت و وقوع آن هنگام ظهور قائم آل محمد علیه السلام به ما رسیده است. عقل نیز این موضوع را غیرممکن نمی‌داند؛ چرا که نمونه‌های فراوانی به اذن خداوند به دست پیامبرانی چون عیسی علیه السلام و شمعون علیه السلام و دیگر پیامبران انجام یافته است^۱.

۲. براهین نقلی

الف. قرآن: در قرآن کریم، آیات بسیاری از رجعت سخن می‌گویند که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

و هنگامی که فرمان [عذاب] بر آنها واقع شود، جنبنده‌ای از زمین برای آنها خارج می‌کنیم که با آنان سخن می‌گوید که: «مردم، به آیات ما یقین ندارند». و روزی که ما از هر امتی گروهی را از کسانی که آیات ما را تکذیب می‌کنند محشور می‌کنیم و آنها نگه‌داشته می‌شوند [تا به یک‌دیگر ملحق شوند]^۲.

با بیان چند نکته، دلالت آیه بر رجعت روشن می‌شود:

۱. حشر گروهی از هر امتی، غیر از حشر در روز قیامت است. حشر در آیه فوق، همگانی نیست؛ در حالی که حشر در روز قیامت شامل همهٔ انسان‌ها می‌گردد؛ چنان‌که در آیه دیگری در وصف حشر و روز قیامت چنین آمده است:
و همه را محشور کرده و احدی از آنان را فرو نخواهیم گذاشت.^۳

۲. در صدر آیه اول، خداوند می‌فرماید: «إِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ». مورد اتفاق همه مفسران است که وقوع قول (فرمان)، از علائم قیامت است و روشن است که علامت

۱. محمدرضا طبسی نجفی، شیعه و رجعت، مترجم محمد میرشاه ولد، ص ۱۴۵.

۲. «وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ ﴿۸۳﴾ وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِّمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ ﴿۸۴﴾». نمل: ۸۳ و ۸۴.

۳. «وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا ﴿۴۷﴾». کهف: ۴۷.

یک چیز غیر از خود آن چیز است^۱.

۳. آیات قبل از این آیه، از نشانه‌های قبل از رستاخیز در پایان جهان سخن گفته‌اند و در آیات پس از آن نیز به همین موضوع اشاره می‌شود. بنابراین، بعید به نظر می‌رسد آیات قبل و بعد، از حوادث پیش از رستاخیز سخن گویند؛ اما آیه وسط، درباره رستاخیز باشد. هم‌آهنگی آیات، ایجاب می‌کند که همه درباره حوادث قبل از قیامت باشند^۲.

د) شاهد دیگر برای دلالت آیه بر رجعت، «خروج دابة الارض»^۳ است که یکی از نشانه‌های رستاخیز به شمار می‌رود؛^۴ یعنی از نشانه‌هایی است که قبل از رستاخیز رخ می‌دهد.

پیامبر اکرم ﷺ درباره دابة الارض فرمود:

هیچ کس به او دست نمی‌یابد و کسی نمی‌تواند از دست او فرار کند. بین دو چشم مؤمن علامت می‌گذارد و می‌نویسد: « مؤمن بین دو چشم کافر

۱. مکارم شیرازی، *تفسیر نمونه*، ج ۱۵، ص ۵۴۷؛ محمدحسین طباطبایی، *تفسیر المیزان*، ج ۱۵، ص ۳۹۷.

۲. مکارم شیرازی، *تفسیر نمونه*، ج ۱۵، ص ۵۴۸.

۳. «دابة» به معنای «جنبنده» و «ارض» به معنای زمین است. قرآن کریم، از این کلمه به طور سر بسته گذشته است. تنها وصفی که قرآن برای آن ذکر کرده، این است که با مردم سخن می‌گوید. این تشخیص افراد بی‌ایمان و نشانه‌گذاری بر آنها، شامل مرد و زن می‌شود. در بیان شخصیت و وصف «دابة الارض» دو قول مطرح است:

الف) گروهی آن را یک موجود جاندار و جنبنده غیر عادی از غیر جنس انسان با شکلی عجیب دانسته و برای آن عجایبی نقل کرده‌اند که شبیه خارق عادات و معجزات انبیاء ﷺ است. این جنبنده، در آخر الزمان ظاهر می‌شود و از کفر و ایمان سخن می‌گوید و منافقان را رسوا می‌سازد و بر آنها علامت می‌نهد.

ب) گروهی دیگر، به پیروی از روایات متعددی که در این زمینه وارد شده است، او را یک انسان می‌دانند، یک انسان فوق العاده و جنبنده‌ای فعال که یکی از کارهای اصلی‌اش جدا ساختن صفوف مسلم از منافق و علامت‌گذاری آنهاست (حتی از برخی روایات استفاده می‌شود که عصای موسی ﷺ و خاتم سلیمان ﷺ با او است) (مکارم شیرازی، *تفسیر نمونه*، ج ۵، ص ۵۵۲).

۴. محمدحسین طباطبائی، *المیزان*، ج ۱۵، ص ۵۳۷.

علامت می‌گذارد و می‌نویسد: «کافر»، عصای موسی و انگشتر سلیمان با او است.^۱

آیه دوم:

بی‌گمان ما رسولان خود و کسانی که ایمان آورده‌اند را در زندگی دنیا و روزی که گواهان به پامی‌خیزند، یاری می‌دهیم.^۲

با بیان چند نکته روشن خواهد شد که این آیه، به رجعت اشاره دارد و رجعت هم مخصوص تمام انسان‌های مؤمن خاص و کفار خاص است. الف) سیاق آیه، بر فعلی دلالت دارد که در آینده به طور حتم به وقوع خواهد پیوست.

ب) نصرت و پیروزی که در این آیه وعده داده شده، تاکنون تحقق نیافته است و خداوند، هرگز خلف وعده نمی‌کند؛ پس ناگزیر باید در آینده تحقق یابد.

ج) همه پیامبران (به جز حضرت عیسی علیه السلام و حضرت خضر علیه السلام) و مؤمنان، هنگام نزول قرآن در قید حیات بوده و در این دنیا یاری نشده‌اند؛ پس به مقتضای این آیه، باید زنده شوند، تا در همین دنیا یاری شوند.

د) لفظ نصرت، در مواردی به کار می‌رود که دو گروه، مشغول مخاصمه و جنگ باشند و شخصی یا گروهی، به یکی از طرف‌های درگیر کمک کند، تا برطرف مقابل، چیره شود. طبیعی است چنین معنایی با یاری کردن انبیا و مؤمنان در آخرت سازگاری ندارد؛ بلکه مصداق آیه با رجعت، و نصرت انبیا و اولیا تحقق می‌یابد.

شیخ مفید در تفسیر این آیه می‌فرماید:

شیعیان عقیده دارند خدای تبارک و تعالی وعده نصرت خود را درباره

۱. لا يُدْرِكُهَا طَالِبٌ وَلَا يَفُوتُهَا هَارِبٌ فَتَسِمُ الْمُؤْمِنَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ وَيَكْتُبُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ مُؤْمِنٌ وَ تَسِمُ الْكَافِرَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ وَ تَكْتُبُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ كَافِرٌ وَ مَعَهَا عَصَا مُوسَى علیه السلام وَ خَاتَمُ سُلَيْمَانَ علیه السلام؛ محمدباقر مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۶، ص ۳۰۰؛ *الایقاف*، ص ۳۳۵، محمد بن الحسن حرّ عاملی، *نور الثقلین*، ج ۴، ص ۹۸.

۲. «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ»، مومن: ۵۱.

دوستانش، پیش از آخرت تحقق خواهد بخشید و آن، هنگامی است که قائم علیه السلام قیام کند. در پایان دنیا، مؤمنان رجعت می کنند و وعده الهی تحقق می یابد^۱.

این رجعت مؤمنان و این وعده الهی برای زن و مرد است؛ چون در غالب از آیات و روایات، به گروه خاصی با علامت خاصی اشاره نشده است؛ بلکه بیشتر به مؤمنان و منافقان اشاره شده و این دو کلمه، هم شامل زن می شود و هم شامل مرد.

ب: روایات

در این فراز می توانیم رجعت را از سه منظر احادیث، زیارات و ادعیه پی گیری کنیم.

۱. احادیث

اخبار و روایاتی که درباره رجعت از معصومان علیهم السلام نقل شده، به قدری زیاد است که در طول تاریخ، بسیاری از بزرگان و علمای شیعه درباره آن، ادعای تواتر کرده اند (معنوی و اجمالی)^۲ از جمله شیخ طوسی در مورد برخی از احادیث رجعت ادعای تواتر لفظی هم نموده است.^۳ علامه مجلسی در این رابطه می فرماید: «اگر روایت رجعت متواتر نباشد پس در دنیا روایت متواتر وجود ندارد»^۴. علامه طباطبایی می فرماید: روایات ائمه اهل بیت علیهم السلام نسبت به اصل رجعت متواتر است و تواتر با مناقشه در تک تک حدیث باطل نمی شود.^۵

به همین دلیل، اکنون فقط به ذکر برخی از این احادیث می پردازیم:

۱. نقل از محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۳۰؛ محمدبن حسن حر عاملی، الايقاظ من الهجعة، باب ثانی، ص ۴۶.

۲. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۳۴.

۳. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۲۷.

۴. همان، ص ۱۲۳.

۵. سید محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۳، ص ۲۰۵.

از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

هر کس به هفت چیز اعتقاد داشته باشد، مؤمن [شیعه] است و در میان آن هفت چیز، ایمان به رجعت را ذکر فرمود.^۱

مأمون به حضرت امام رضا علیه السلام عرض کرد: «ای ابوالحسن نظرت درباره رجعت چیست؟» آن حضرت فرمود:

آن، حق است و در امت‌های گذشته نیز بوده و قرآن آن را بیان کرده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آنچه در امت‌های گذشته واقع شده در این امت نیز بدون کم و کاست واقع خواهد شد.^۲

«حَدُّو النَّعْلَ بِالنَّعْلِ وَالْقَدَّةَ بِالْقَدَّةِ» یعنی برابری و یکسانی که گام به گام و موبه مو، تحقق پیدا می‌کند.

طبق آنچه امام رضا علیه السلام فرمود، به دست می‌آید که در امت‌های گذشته رجعت بوده است و در این رخداد مهم هم زن و هم مرد حضور داشته‌اند^۳ و در زمان ظهور نیز با رجعت زنان و مردان، این واقعه ادامه پیدا می‌کند و این، امری است که درباره همه انسان‌های مؤمن خاص و کفار خاص اجرا می‌شود.

۲. زیارات

در زیارتی که خطاب به حضرت امام مهدی علیه السلام خوانده می‌شود آمده است:

اگر دوران درخشان و پرچم‌های برافراشته و حکومت قدرت‌مند تو را درک کردم، بنده‌ای از بندگان تو خواهم بود ... و اگر پیش از ظهورت مرگ فرا رسید، با توسل به تو از خدای سبحان می‌خواهم که بر محمد و آل

۱. مَنْ أَقَرَّ بِسَبْعَةِ أَشْيَاءَ فَهُوَ مُؤْمِنٌ وَ ذَكَرَ مِنْهَا الْإِيمَانَ بِالرَّجْعَةِ؛ محمد باقر مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۵۳، ص ۲۱.
 ۲. أَنَّهَا الْحَقُّ قَدْ كَانَتْ فِي الْأُمَمِ السَّالِفَةِ وَ نَطَقَ بِهَا الْقُرْآنُ وَ قَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: يَكُونُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ كُلِّ مَا كَانَ فِي الْأُمَمِ السَّابِقَةِ حَدُّو النَّعْلَ بِالنَّعْلِ وَالْقَدَّةَ بِالْقَدَّةِ؛ سید شبّر، *حقّ الیقین*، ص ۱۱، بهارنجی، *دولت‌المهدی*، ص ۳۸۱.

۳. به تفسیر آیه ۲۴۳ سوره بقره مراجعه شود.

محمد ﷺ درود فرستد و برای من، بازگشتی در دوران ظهورت و رجعتی در زمان [حکومت] تو قرار دهد، تا با فرمان‌برداری تو، مراد خویش را دریابم و دلم را [با انتقام] از دشمنانت شفا بخشم.^۱

هم چنین در زیارت امام حسین علیه السلام در روز عرفه می‌خوانیم: «ای سرورم! ای اباعبدالله! خدا و فرشتگان و پیغمبرانش را شاهد می‌گیرم که من، به شما ایمان، و به بازگشت‌تان یقین دارم...»^۲

پس همه ما (اعم از زن و مرد) با تاسی از امامان و اولیای خدا، می‌توانیم دعا کنیم که تا زمان ظهورش زنده باشیم، تا از یاران خاص او باشیم و اگر هم زنده نماندیم، از خدا بخواهیم با رجعت در زمان دولت یار، او را یار و یاور باشیم و از دشمنانش انتقام بگیریم.

۳. ادعیه

الف. در دعای عهد آمده است:

پروردگارا! اگر مرگی که بر تمام بندگان، قضای حتمی قرار دادی میان من و او [= حضرت امام مهدی علیه السلام] جدایی انداخت، مرا [هنگام ظهور مهدی علیه السلام] از قبر برانگیز؛ در حالی که کفم را ازار خود کرده و شمشیرم را از نیام برکشیده و نیزه‌ام را برهنه ساخته‌ام و دعوت دعوت‌کننده را لیبک می‌گویم.^۳

۱. فَإِنْ أَدْرَكْتُ أَيَّامَكَ الزَّاهِرَةَ وَأَعْلَامِكَ الظَّاهِرَةَ وَدَوْلَتِكَ الْقَاهِرَةَ فَعَبْدٌ مِنْ عِبِيدِكَ ... وَإِنْ أَدْرَكَنِي الْمَوْتُ قَبْلَ ظُهُورِكَ فَأَتَوَسَّلُ بِكَ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ يَجْعَلَ لِي كَرَّةً فِي ظُهُورِكَ وَرَجْعَةً فِي أَيَّامِكَ لِأَبْلُغَ مِنْ طَاعَتِكَ مُرَادِي وَأَشْفِيَّ مِنْ أَعْدَائِكَ فَوَادِي؛ محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۲۶۰.

۲. یا مولای یا ابا عبدالله! أشهد الله و ملائکته و أنبیائه و رسله أني بکم مؤمن و بیایبکم موقن؛ همان، ج ۲۱، ص ۵۷۶.

۳. أَللَّهُمَّ إِنْ حَالَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَيَّ عِبَادِكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي مُؤْتَرًّا كَفَنِي شَاهِرًا سَيْفِي مُجَرَّدًا قَنَاتِي مُلَبِّيًا دَعْوَةَ الدَّاعِي؛ حاج شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، ص ۸۹۳.

از امام صادق علیه السلام روایت شده: «هر کس چهل صبح این دعا را بخواند، از یاوران قائم ما باشد و اگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد، خداوند او را از قبر بیرون آورد...»^۱.

ب. در دعایی که بعد از زیارت حضرت حجت علیه السلام در سرداب نقل شده این گونه آمده است: «خدایا! اگر قبل از ظهور حضرتش مرا از دنیا بردی، مرا از کسانی قرار ده که در رجعت بر می گردند.»^۲

فصل دوم

هدف رجعت

یکی از سؤالاتی که در بحث رجعت مطرح می شود، این است که چرا باید عده‌ای از انسان‌ها - اعم از خوب و بد - قبل از قیامت و در دوران ظهور حضرت امام مهدی علیه السلام به دنیا برگردند؟ رجعت چه اهمیتی دارد که معصومان علیهم السلام تا این مقدار در روایات، ادعیه، و زیارات بر آن تأکید کرده‌اند، تا حدی که بعضی از علما و بزرگان دین، رجعت را از ضروریات مذهب شیعه بر شمرده‌اند؟

رجعت به دنیا، تنها به اذن و اراده الهی قابل تحقق است و چون همه افعال خدای حکیم، از روی حکمت است، رجعت نیز دارای حکمت خواهد بود. این جا به مواردی از اهداف رجعت اشاره می کنیم:

۱. انتقام گرفتن از ستم‌گران

در رجعت، گروهی از منافقان و ستم‌گران تاریخ که در حق انسان‌ها، از هیچ ظلم و ستمی دریغ نکردند و غصب‌کنندگان خلافت اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله به دنیا برمی گردند، تا قبل از قیامت به بخشی از مجازات‌های خود برسند.

۱. من دعا الله اربعین صباحا بهذا العهد، کان من انصار قائمنا، فان مات قبله أخرجه الله من قبره...؛

محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۹۵.

۲. فإن توفیتنی اللهم قبل ذلک فاجعلنی یا ربّ ممّن یرکّ فی رجعتہ؛ همان، ج ۲۲، ص ۲۴۰.

امام صادق علیه السلام فرمود:

هنگامی که کار حسین علیه السلام خاتمه یافت، ملائکه به درگاه خداوند تضرع کردند. پس خداوند سایه حضرت قائم علیه السلام را برپا داشت و فرمود: «به وسیله این، از آنان که به او ستم کردند [قاتلان امام حسین علیه السلام] انتقام می گیرم»^۱.

امام زمان علیه السلام در صورتی می تواند از قاتلان امام حسین علیه السلام انتقام بگیرد که آنها زنده باشند و این، با رجعت تحقق می یابد.

۲. نصرت دین

یکی از اهدافی که رجعت مؤمنان بر آن استوار است، نصرت و یاری رساندن به دین الهی در عصر طلایی ظهور امام زمان علیه السلام است. بزرگی و عظمت قیام جهانی حضرت امام مهدی علیه السلام می طلبد که یاران آن حضرت، از حیث تعداد و نیرو، متناسب با آن نهضت باشند.

اعتقاد به رجعت و بازگشت به دنیا، می تواند نقش برجسته ای در نشاط دینی و امید حضور در حکومت جهانی حضرت امام مهدی علیه السلام داشته باشد. رجعت، برای همه افراد - چه زن و چه مرد - که لایق یاری رساندن بوده و قبلاً از دنیا رفته اند - زمینه این مهم را فراهم می سازد.

در برخی دعاها از خدای بزرگ می خواهیم - اگر زنده نبودیم - ما را در دوران ظهور امام زمان علیه السلام زنده گرداند تا او را یاری دهیم؛ همان طور که در دعای روز بیست و پنجم ماه ذی قعدة می خوانیم:

خداوندا! فرج اولیایت را نزدیک کن و آنچه به ستم از آنان گرفته اند، به ایشان برگردان و قائم شان علیه السلام به حق ظاهر کن ... خداوندا! بر آن بزرگوار و

۱. لَمَّا كَانَ مِنَ أَمْرِ الْحُسَيْنِ مَا كَانَ صَجَّتِ الْمَلَائِكَةُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى فَأَقَامَ اللَّهُ لَهُمْ ظِلَّ الْقَائِمِ وَقَالَ: بِهَذَا انْتَقِمُ لَهُ مِنْ ظَالِمِيهِ؛ محمدبن حسن حر عاملی، الايقاظ من الهجرة، ص ۲۴۵.

پدرانش درود فرست و ما را از یارانش قرار ده و در رجعتش محشورمان کن تا از یاری کنندگان او باشیم.^۱

این دعاها و خواستن‌ها مخصوص همه انسان‌هاست، چه زن و چه مرد، تا در آن زمان، از رجعت کنندگان و در صف یاران مهدی عجل الله فرجه باشند.

۳. لذت بردن مؤمنان از حاکمیت اسلام

بسیاری از مؤمنان، در طول تاریخ، آرزوی حاکمیت دین در سراسر جهان را داشتند و در این راه مبارزه کردند؛ اما دشمنان دین، با ظلم و جور خود نگذاشتند دین در تمام ابعاد، حاکمیت یابد. در دوران رجعت، مؤمنان برمی‌گردند تا عزت دین و خفت و خواری ظالمان را ببینند.

امام باقر علیه السلام فرمود:

اما مؤمنان، به سوی روشنایی‌های چشمان‌شان برمی‌گردند [تا چشم‌شان با دیدن حکومت عدل امام زمان عجل الله فرجه روشن شود] و اما ستم‌گران، برمی‌گردند تا دچار عذاب الهی گردند؛ چنان‌که خداوند می‌فرماید: «و قطعاً غیر از آن عذاب بزرگ‌تر، از عذاب این دنیا به آنان می‌چسانیم».^۲

۴. تأثیر کافران از استقرار حکومت مهدی عجل الله فرجه

یکی از اهدافی که در روایات بسیار تکرار شده و حتی در تعاریف رجعت هم انعکاس یافته است،^۳ عزت مؤمنان و خواری و ذلت منافقان است.

۱. اللَّهُمَّ وَ عَجَلْ فَرَجَ أَوْلِيَائِكَ وَ أَرُدُّدْ عَلَيْهِمْ مَظَالِمَهُمْ وَ أَظْهَرِ بِالْحَقِّ قَائِمَهُمْ... اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ وَ اجْعَلْنَا مِنْ صَحْبِهِ وَ ابْنَعْنَا فِي كَرَّتِهِ حَتَّى نَكُونَ فِي زَمَانِهِ مِنْ أَغْوَانِهِ؛ *مفاتيح الجنان*، اعمال ذيقعه، دعای روز بیست و پنجم.

۲. فَأَمَّا الْمُؤْمِنُونَ فَيُنشَرُونَ إِلَى قُرَاةِ أَعْيُنِهِمْ وَ أَمَّا الْفُجَّارُ فَيُنشَرُونَ إِلَى خِزْيِ اللَّهِ إِيَّاهُمْ، إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: ﴿وَ لَنُنذِرَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَى دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ﴾؛ محمد بن حسن حر عاملی، *الایقاظ من الهمجعة*، باب التاسع، ص ۲۷۲.

۳. *کنز الدقایق*، ج ۹، ص ۵۹۶: فصل اول (تعریف رجعت در اصطلاح).

امام باقر علیه السلام می فرماید:

هیچ شخص نیک و بدی از این امت نیست، مگر این که رجعت می کنند؛
مؤمنان برمی گردند تا این که عزیز شده، چشمانشان روشن شود و فجّار
برمی گردند تا خداوند ذلیل شان کند. آیا نشنیده ای گفتار خداوند را که
می فرماید: همانا عذاب نزدیکتر (کوچکتر) را که غیر از عذاب بزرگتر است
به آنها می چشائیم^۱.

عذاب نزدیک تر، به عذاب رجعت منطبق شده است.

حضرت علی علیه السلام در تفسیر آیه مبارک «رَبِّمَا يَوْمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ»^۲ می فرماید:

زمانی که من با شیعیانم با پیروان شان برمی گردیم، بنی امیه را با خواری و ذلت
به قتل می رسانم. در این هنگام، کفار می گویند: «ای کاش مسلمان بودیم!»^۳.

۵. تکامل مؤمنان

یکی از اهداف رجعت، رسیدن به تکامل نهایی است؛ چون رجعت، عمومی نیست و
ویژه مؤمنان و طاغیان ستم گر محض است، بازگشت آنان به زندگی دنیوی، به
منظور تکمیل حلقه کمال گروه اول و چشیدن کیفر دنیوی گروه دوم است.

به تعبیر دیگر، مؤمنان خالص، در مسیر تکامل معنوی با موانع دشمنان روبه رو
بودند و از تکامل باز ماندند. حکمت الهی اقتضا می کند که آنها سیر تکاملی خود را
از طریق بازگشت به این جهان به پایان برسانند و در گسترش حکومت حق شرکت
کنند که شرکت در چنین حکومتی از افتخارات بزرگ است.

پس دانستیم که در رسیدن به تکامل نهایی که همان رجعت است، مردان و زنان
می توانند با بازگشت مجدد به دنیا مسیر اصلی و پایانی کمال خود را طی کنند.

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۶۴.

۲. حجر: آیه ۲.

۳. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۶۴-۶۵.

فصل سوم

رجعت کنندگان

روایاتی که رجعت کنندگان را معرفی می کند به دو دسته تقسیم شده اند:

۱. بعضی روایات به طور عموم دلالت می کند که تمام مؤمنان خالص (زن و مرد) و کفار معاند (زن و مرد) که در طول تاریخ در روی زمین زندگی کرده اند، برمی گردند. امام صادق علیه السلام می فرماید: «همانا رجعت، عمومی نیست؛ بلکه خصوصی است، بر نمی گردند مگر مؤمنان محض و کفار محض»^۱.
۲. بعضی از روایات، رجعت کنندگان را با اسم و مشخصات معرفی می کند:

الف) مردان

می توان مردان مورد اشاره در روایات را به سه دسته کلی تقسیم کرد:

۱. پیامبران گذشته: امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه ۸۱ آل عمران می فرماید: «خداوند هیچ پیامبری را از آدم تا سایر انبیا مبعوث نکرد، جز آن که به دنیا بازگشته و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علیه السلام را یاری خواهند کرد»^۲.
۲. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امامان علیهم السلام: ابو خالد کابلی از امام سجاد علیه السلام نقل می کند که آن حضرت در تفسیر آیه ۸۵ سوره قصص^۳ چنین فرمود: «پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علیه السلام و امامان علیهم السلام به سوی شما باز می گردند»^۴.

۱. ... إِنَّ الرَّجْعَةَ لَيْسَتْ بِعَامَّةٍ وَ هِيَ خَاصَّةٌ، لَا يَرْجِعُ إِلَّا مَنْ مَحَضَ الْإِيمَانَ مَحْضًا أَوْ مَحَضَ الشِّرْكَ مَحْضًا؛ همان، ص ۳۹ و ۸۵؛ محمد بن حسن حر عاملی، *الایقاظ من الیهجعة*، باب ۱۰، ص ۳۶۰.

۲. مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا مِنْ لَدُنْ آدَمَ وَ هَلَمْ جَرًّا وَ يَرْجِعُ إِلَى الدُّنْيَا فَيَنْصُرُ رَسُولَ اللَّهِ وَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؛ *بحار الانوار*، ج ۵۳، ص ۶۲.

۳. «إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَأْدُكَ إِلَىٰ مَعَادٍ؛» آن کس که قرآن را بر تو فرض کرد، تو را به بازگشت گاهی برمی گرداند. قصص: ۸۵.

۴. يَرْجِعُ إِلَيْكُمْ نَبِيُّكُمْ وَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَئِمَّةُ؛ *بحار الانوار*، ج ۵۳، ص ۵۶.

۳. مؤمنان

از امام صادق علیه السلام روایتی نقل شده است که به شیعیان راستین خود چنین فرمود:
... تا این که قائم ما اهل بیت قیام می کند. در آن هنگام، خداوند، آنان را
مبعوث خواهد کرد و آنها، گروه گروه لبیک گویند به حضرتش ملحق
می شوند...^۱

ب: زنان

گروهی از یاوران حضرت بقیة الله علیه السلام زنانی هستند که خدا به برکت ظهور امام
زمان علیه السلام آنها را زنده خواهد کرد و بار دیگر به دنیا رجعت خواهند نمود. در
روایات، به دو گونه به این افراد اشاره شده است:

۱. عام

در روایات، رجعت ویژه زن یا مرد نیست و فقط به مؤمن محض و کافر محض اشاره
شده است؛ یعنی هم زن مؤمن و هم زن کافر در زمان ظهور مهدی علیه السلام رجعت
می کنند، تا زنان مؤمن، طعم شیرین و لذت انجام وعده الهی را بچشند و در رکاب
حضرت امام مهدی علیه السلام و امامان معصوم علیهم السلام به خدمت پردازند و زنان کافر هم
کیفر دنیایی گناه و عملکرد خود را ببینند و به عذاب الهی برسند.

۲. خاص

گروهی از زنان هستند که علاوه بر اخبار عمومی، در برخی اخبار، به نام آنان هم
اشاره شده است. این روایات معتبر درباره زنان، بسیار اندک است.

الف) زنان مؤمن

در منابع معتبر اسلام، نام سیزده زن یاد می شود که به هنگام ظهور قائم آل
محمد صلی الله علیه و آله زنده خواهند شد و در لشکر امام زمان علیه السلام به مداوای مجروحان جنگی و

۱. ... حَتَّى يَقَوْمَ قَائِمُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا بَعَثَهُمُ اللَّهُ فَأَقْبَلُوا مَعَهُ يَلْبُونَ زَمْرًا زَمْرًا ... ؛ کافی، ج ۳،
ص ۱۳۱.

پرستاری بیماران خواهند پرداخت.

مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود:

«همراه قائم علیه السلام سیزده زن خواهند بود». گفتم: «آنها را برای چه کاری می خواهید؟» فرمود: «برای مداوای مجروحان و رسیدگی به مریض‌ها؛ همان‌گونه که وقتی همراه پیامبر صلی الله علیه و آله بودند چنین می کردند». عرض کردم: «نام آنها را بفرمایید» فرمود: «قنواء دختر رشید هجری، ام ایمن، حبابه والبیّه، سمیه مادر عمار بن یاسر، زبیده، ام خالد احمسیه، ام سعید حنفیه، صبانة ماشطه و ام خالد جهنیه»^۱

در این روایات، امام صادق علیه السلام از آن سیزده زن فقط نام نه نفر را یاد می کند. در کتاب *خصایص فاطمی* به نسبیة دختر کعب مازنیة نیز اشاره شده است.^۲

در کتاب *منتخب البصائر* از دو زن به نام «تیره» و «أحبشیه» نام می برد^۳. این افراد، هر کدام در بُعدی و بیشتر در بُعد جهاد با دشمنان خدا، از خود شایستگی‌هایی نشان داده‌اند. برخی از آنان - هم چون «صبانة» - مادر چند شهید بوده و خود نیز با وضعی جانسوز به شهادت رسید. برخی دیگر چون سمیه، در راه دفاع از عقیده اسلامی خود، سخت‌ترین شکنجه‌ها را تحمل نموده و تا پای جان از عقیده خود دفاع کرده‌اند.

ام‌خالد نیز نعمت تندرستی پیکر را برای حفظ اسلام استفاده کرد و جانباز شد. برخی دیگر، همانند زبیده کسانی بودند که زرق و برق دنیا، هرگز آنان را از اسلام

۱. یَكُنَّ مَعَ الْقَائِمِ ثَلَاثُ عَشْرَةَ امْرَأَةً قُلْتُ: وَ مَا يَصْنَعُ بَهَنُ؟ قَالَ: يُدَاوِيْنَ الْجُرْحَى، وَ يَقْمِنُ عَلَى الْمَرْضَى، كَمَا كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ قُلْتُ: فَسَمَّيْنَهُنَّ لِي. قَالَ: الْقَنَوَاءُ بِنْتُ رَشِيدٍ، وَ أُمُّ أَيْمُنَ، وَ حَبَابَةُ الْوَالِبِيَّةِ، وَ سَمِيَّةُ أُمِّ عِمَارِ بْنِ يَاسِرٍ، وَ زَبِيدَةُ، وَ أُمُّ خَالِدِ الْأَحْمَسِيَّةِ، وَ أُمُّ سَعِيدِ الْحَنْفِيَّةِ، وَ صَبَانَةُ الْمَاشِطَةِ، وَ أُمُّ خَالِدِ الْجَهْنِيَّةِ؛ طبری، *دلائل الامّة*، ص ۲۶۰.

۲. *ریاحین الشریعة*، ج ۵، ص ۴۱، نقل از *خصایص فاطمی*.

۳. *بیان الامتة*، ج ۳، ص ۳۳۸.

باز نداشت و از آن امکانات در راه عقیده خود استفاده کرده و در مراسم حج که یکی از ارکان دین است به کار بردند. بعضی، افتخار دایگی رهبر امت را داشتند و خود نیز از معنویات زیادی برخوردار بودند و بعضی دیگر، از خانواده شهیدانی بودند که خود، پیکر نیمه جان فرزندان شان را حمل کردند. آنان، کسانی هستند که با انجام رشادت‌ها ثابت کردند که می‌توانند گوشه‌ای از بار سنگین حکومت جهانی اسلام را بردوش گیرند.

همه این دلایل، ما را به راز تصریح امام صادق علیه السلام به نام این نه نفر آگاه می‌کند. حال، برای درک بهتر شرح حال مختصری از زندگی چند تن را بررسی کنیم.

۱. صبیانه

در کتاب *خصائص فاطمیه* آمده است:

در دولت مهدی علیه السلام سیزده تن، برای معالجه زخمیان زنده گشته و به دنیا بازمی‌گردند. یکی از آنان «صبیانه» است که همسر «حزقیل» و آرایشگر دختر فرعون بوده است. شوهرش «حزقیل» پسرعموی فرعون و گنجینه دار او بوده و به گفته او، حزقیل، مؤمن خاندان فرعون است که به پیامبر زمانش، موسی علیه السلام ایمان آورد.^۱

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

شب معراج، در مسیر بین مکه معظمه و مسجد الاقصی، ناگهان بوی خوشی به مشام رسید که هرگز مانند آن را نبویده بودم. از جبرئیل پرسیدم: «این بوی خوش چیست؟» گفت: «ای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم! همسر حزقیل به حضرت موسی بن عمران علیه السلام ایمان آورده بود و ایمان خود را پنهان می‌کرد.^۲

۱. *ریاحین الشریعة*، ج ۵، ص ۱۵۳؛ نجم الدین طیبی، *چشم‌اندازی از حکومت مهدی علیه السلام*، ص ۷۶.
 ۲. روزی مشغول آرایش دختر فرعون بود که شانه از دست او افتاد و بی‌اختیار گفت: «بسم الله». دختر فرعون گفت: «آیا پدر مرا می‌ستایی؟» گفت: «نه؛ بلکه آن کسی را ستایش می‌کنم که پدر تو را آفریده است و او را از بین خواهد برد». دختر فرعون، خبر را به پدرش رساند. فرعون او را احضار کرد و به او گفت: «مگر به خدایی من ...»

۲. سمیه، مادر عمار یاسر

او هفتمین نفر بود که به اسلام گروید و بدترین شکنجه‌ها را تحمل کرد^۱. او و شوهرش، یاسر در دام ابوجهل گرفتار شده بودند و او، به آنها دستور داد که به پیامبر خدا دشنام دهند؛ اما آنها چنین کاری نکردند. ابوجهل زره آهنی به سمیه و یاسر پوشاند و آنها را مقابل آفتاب سوزان نگه‌داشت. پیامبر ﷺ که گاهی از کنارشان عبور می‌کرد، آنها را به صبر و مقاومت سفارش می‌کرد و می‌فرمود: «ای خاندان یاسر صبر پیشه کنید که وعده‌گاه شما بهشت است». سرانجام ابوجهل با ضربتی آنها را به شهادت رساند.^۲

خداوند، این زن را به سبب صبر و مجاهدتی که در راه اسلام متحمل شد، در زمان ظهور مهدی ﷺ زنده خواهد کرد، تا پاداش وعده الهی را ببیند و در لشکر ولی خدا، به یاوران آن حضرت خدمت کند.

۳. ام ایمن

نام او «برکه» است. وی کنیز پیامبر ﷺ بود. آن حضرت، به او مادر خطاب می‌کرد و می‌فرمود: «او باقی‌مانده خاندان من است»^۳. او از شیفتگان امامت بود که در ماجرای فدک، حضرت زهرا علیها السلام او را به عنوان شاهد معرفی کرد و پنج یا شش ماه

اعتراف نداری؟» صیانه گفت: «هرگز؛ من از خدای حقیقی دست نمی‌کشم». فرعون دستور داد تنور مسی را برافروختند و دستور داد همه بچه‌های او را در حضورش در آتش انداختند. زمانی که خواستند بچه شیرخوار او را از بغلش بگیرند، صیانه منقلب شده و خواست با زبان، از دین اظهار بیزاری کند. کودک، به امر خدا، به سخن آمد و گفت: صبر کن ای مادر! که تو بر حقی. فرعونیان آن زن و بچه شیرخوارش را نیز در آتش افکندند و خاکسترشان را در این زمین ریختند که تا روز قیامت این بوی خوش از این زمین استشمام می‌شود...» **منهاج** **الدموع**، ص ۹۳.

۱. نجم‌الدین طبری، **چشم‌اندازی از حکومت مهدی**، ص ۷۸.

۲. **ریاحین الشریعة**، ج ۴، ص ۳۳۵.

۳. محمدجواد طبری، **زنان در حکومت امام زمان**، ص ۲۸؛ نجم‌الدین طبری، **چشم‌اندازی از حکومت مهدی**، ص ۷۶؛ **تاریخ طبری**، ج ۲، ص ۷.

پس از پیامبر ﷺ در زمان خلافت ابوبکر از دنیا رفت^۱.

ام ایمن، دختر «ثعلبه بن عمرو بن حصن بن مالک» می‌باشد. او خدمت‌گزار «آمنه»، مادر پیامبر ﷺ بود که به ارث، به پیامبر ﷺ منتقل شد. آن گاه که رسول خدا ﷺ مادر خود را از دست داده بود، ام ایمن، پرستاری وی را برعهده گرفت و به اصطلاح، خدمت‌گزار رسول خدا ﷺ محسوب می‌شد. رسول خدا ﷺ بارها می‌گفت: «ام ایمن، پس از مادرم «آمنه»، مادر من است» و او را عضو خانواده و یادگار اهل بیت خویش می‌خواند. ام ایمن را باید یکی از بانوان نمونه و ممتاز تاریخ اسلام دانست؛ چون کوشش‌های او در طول زندگی پر برکتش در راستای وابستگی به پیغمبر ﷺ و خاندان او، افتخار آمیز و سراسر پر عظمت بود^۲ که این جا مجال شرح آن نمی‌باشد.

۴. زیبیده

وی، همسر هارون الرشید و از شیعیان بود. هنگامی که هارون از عقیده او آگاه شد، سوگند یاد کرد او را طلاق دهد. او به انجام کارهای نیک معروف بود. زمانی که یک مشک آب در شهر، یک دینار طلا ارزش داشت، او همه حجاج و شاید مردم مکه را سیراب کرد. او دستور داد با کندن کوه‌ها و احداث تونل‌ها، آب را از فاصله ده میلی خارج حرم مکه، به حرم آوردند. زیبیده، صد کنیز داشت که همگی حافظ قرآن بودند و هر کدام موظف بود که یک دهم قرآن را بخواند؛ به گونه‌ای که از منزل او، صدای قرائت قرآن همانند زمزمه زنبورهای عسل، بلند بود^۳.

۵. ام خالد عبدی

ام خالد عبدی را دانشمندان و رجال نویسانی چون کشی و مامقانی، بانویی معرفی

۱. قاموس الرجال، ج ۱۰، ص ۳۷۸.

۲. واقدی، مغازی، ج ۱، ص ۲۶۸.

۳. نجم الدین طبری، چشم اندازی به حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه، ص ۷۷.

کرده‌اند که استاندار عراق، یوسف بن عمرو به سبب عقیده شیعی و پیروی از زید بن علی بن الحسین علیه السلام در کوفه دست او را قطع کرد. وی، بانویی عارف و مجاهد بود که در راه عقیده و عبادت خویش، استواری و پای‌بندی قاطعی داشت و در بیان معارف دین و ابراز عشق و ارادت به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله برابر مخالفان، هیچ کوتاهی و مسامحه‌ای روا نمی‌داشت.^۱

۶. حبابه والیه

شیخ طوسی، شیخ کلینی، فیض کاشانی، محدث بحرانی، طبرسی، راوندی و علامه مجلسی، او را محدث و راوی حدیث از امام علی علیه السلام و سایر امامان تا امام رضا علیه السلام و خلاصه راوی حدیث از هشت تن از امامان معصوم دانسته‌اند.^۲ نکته‌ای که درباره این بانوی محدث قابل توجه است و او را در ردیف یکی از زنان فوق العاده و استثنایی قرار داده، این است که حبابه، راوی حدیث از امام علی علیه السلام بوده و در روزگار امام زین العابدین علیه السلام، ۱۱۳ سال از عمر او می‌گذشت. در سال ۱۸۳ق که امام موسی بن جعفر علیه السلام شهید شده و امام رضا علیه السلام عهده‌دار امامت گردید،^۳ وی به حضور امام هشتم رسید؛ در حالی که عمر او در این روزگار، حداقل ۲۳۵ بود. وقتی از دنیا رفت، امام رضا علیه السلام او را با پیراهن خود کفن کرده و به خاک سپرد. سن او هنگام مرگ، بیش از ۲۴۰ سال بود. او، دوبار به جوانی بازگشت که یک بار به معجزه امام سجاد علیه السلام و بار دوم به معجزه امام هشتم علیه السلام بود. او است که هشت امام معصوم با خاتم خود بر سنگی که او همراه داشت، نقش بستند.^۴

۱. آیت‌الله خویی، معجم رجال الحدیث، ج ۱۴، ص ۲۳، ۱۰۸، ۱۷۶.
 ۲. مرحوم مامقانی، تنقیح المقال، ج ۲۳، ص ۷۵؛ کافی، ج ۲، ص ۱۵۲.
 ۳. همان، ص ۴۰۲.
 ۴. مامقانی، تنقیح المقال، ج ۲۳، ص ۷۵.

۷. قنواء، دختر رشید هجری

قنواء دختر رشید هجری را دانشمندان رجالی و اهل فقه و حدیث، مانند شیخ طوسی، برقی و مامقانی از بانوان یاور امام صادق علیه السلام و راوی حدیث از آن بزرگوار معرفی کرده‌اند.^۱

میزان صلابت و پایداری در عقیده و پای‌بندی او به اسلام و تشیع و علاقه به امیرالمومنین علیه السلام از جریانی که درباره شیوه اسارت و شهادت پدر بزرگوارش، توسط ابن زیاد نقل می‌کند، آشکار می‌شود.^۲

به هر حال، قنواء - راوی حدیث از امام صادق علیه السلام و امام علی علیه السلام - دختر مردی است که در دین، صادق و در ولایت، راستین است. چنین زنی، توسط چنین پدری پرورش یافته و شیفته و رهرو امام زمان است و با چنین اعتقادی می‌تواند در هنگام ظهور امام زمان علیه السلام از سیزده زنی باشد که برای معالجه مجروحان و یاری امام علیه السلام به دنیا بازگشت می‌کند.^۳

۸. نسیبه، دختر کعب

نسیبه، دختر کعب که همسر او «زید بن عاصم» بود و پسرهای او «حیب» و «عبدالله» بودند، از بانوان مجاهد و صحابی فداکار رسول خدا صلی الله علیه و آله و راوی حدیث از آن بزرگوار بوده است.^۴ ابن اثیر جزری، ابن عبدالبر اندلسی و ابن حجر عسقلانی درباره سابقه درخشان او نوشته‌اند:

در بیعت عقبه که ۶۲ مرد از قبیله خزرج شرکت داشتند و با رسول خدا بیعت کردند، دو زن یعنی نسیبه و خواهر وی هم حضور داشتند و بدون این که به هنگام بیعت، دست رسول خدا به دست آنها بخورد، با آن

۱. شیخ طوسی، رجال، ص ۳۶۱.

۲. شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج ۱، ص ۵۲۲.

۳. معجم رجال الحدیث، ج ۷، ریاحین الشریعة، ج ۵.

۴. ابن اثیر، اسد الغابة، ج ۵، ص ۵۵۵.

حضرت بیعت کردند و به اطاعت پیامبر ﷺ اقرار و تعهد نمودند.^۱

نسیبه که با کنیه «ام عماره» هم معروف شده، در بیعت رضوان، در جنگ احد و در جنگ یمامه که بعد از وفات رسول خدا ﷺ با مسیلمه کذاب واقع شد، حضور یافته است.^۲ در جنگ «یمامه» نیز بدن او دوازده زخم برداشت و حتی یک دست وی هم قطع شد.^۳ خلاصه کلام این که ایمان و اخلاص و فداکاری نسیبه در جنگ احد، به جایی رسید که رسول خدا ﷺ فرمود: «وفاداری و مقاومت نسیبه، بهتر و بالاتر از بسیاری از مردها می باشد».^۴

بر چنین زنی شایسته و گوارا است که در زمان دولت مهدی ﷺ به دنیا برگردد و هم چون مؤمنان خاص، طعم شیرین حکومت ولایتی آن حضرت را بچشد. این، اجر کسانی است که خداوند به آنها وعده داده است. پیامبر ﷺ هم درباره او فرموده است: «نسیبه از بانوانی است که در روزگار ظهور امام زمان ﷺ حضور می یابد و به مداوای مجروحان جنگی در رکاب آن حضرت می پردازد...».^۵

زنان غیر مؤمن

در حدیثی، از زنی خبر داده شده است که حضرت زهرا علیها السلام را خیلی رنج می داد.^۶ از عبدالرحیم قصیر روایت شده است که امام باقر علیه السلام فرمود:

۱. همان .

۲. الاصابه، ج ۴، ص ۴۱۸.

۳. بحار الانوار، ج ۲۰، ص ۱۳۳.

۴. همان.

۵. ریاحین الشریعة، ج ۵، ص ۸۲.

۶. عن عبدالرحیم القصیر قال: قال لی ابو جعفر علیه السلام: «أما لو قام قائمنا لقدرت الیه الحمیراء حتی یجلدها الحد و حتی ینتقم لأبنة محمد، فاطمة علیها السلام منها»، قلت: «جعلت فداک و لم یجلدها؟» قال: «لفریتها علی أم ابراهیم». قلت: «فکیف أخره الله لقايم؟» فقال: «لأن الله تبارک و تعالی بعث محمداً صلی الله علیه و آله رحمة و بعث القائم علیه السلام نقمة» (مهدی موعود، ج ۲، ص ۴۶۱؛ شیخ صدوق، علل الشرایع، جلد ۲، باب نوادر العلل، شماره ۱۰، ص ۳۰۴).

آگاه باشید اگر قائم ما قیام کند، حمیراء زنده می‌شود، تا این که آن حضرت به او تازیانه بزند و تا این که از وی برای فاطمه علیها السلام دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله انتقام بگیرد. گفتم: «فدایت شوم! چرا بر او تازیانه می‌زند؟» فرمود: «به سبب افترا و تهمتی که به أم ابراهیم زد». گفتم: «چرا خداوند، تا زمان قائم آن را به تأخیر انداخت؟» امام باقر علیه السلام فرمود: «به سبب این که خداوند، پیامبر صلی الله علیه و آله را برای رحمتِ خلق مبعوث کرد؛ ولی قائم علیه السلام را برای انتقام دشمنان».

پس زنان غیر مؤمن نیز هم چون مردان غیر مؤمن رجعت می‌کنند، تا به دست مبارک مهدی علیه السلام به مجازات خود برسند.

نتیجه

بر اساس آنچه درباره اعتقاد به رجعت و بازگشت به دنیا قبل از شروع قیامت گفته شد و هم چنین طبق معنای رجعت در لغت و اصطلاح، خداوند، هم زمان با ظهور مهدی علیه السلام عده‌ای از بندگان صالح خود را که در ایمان و عمل و تقوا، اسوه مؤمنان بوده‌اند و هم چنین عده‌ای از کفار که در کفر و نفاق، سرسلسله کفار و منافقان بوده‌اند را با همان ویژگی روحی و جسمی خود به دنیا برمی‌گرداند، تا هر دو گروه نتیجه دنیایی اعمال‌شان را دریافت کنند. طبق آنچه گفته شد، برداشت می‌شود که در اخبار این بازگشت، به عنوان مؤمنان و کفار اشاره شده است؛ یعنی مردان و زنان مؤمن و مردان و زنان غیر مؤمن رجعت می‌کنند.

امر رجعت در پیشینیان هم صورت گرفته و امری است که به زمان و گروه خاصی اختصاص ندارد؛ بلکه به همه زمان‌ها و همه مردم مربوط است (مؤمنان خاص و کفار خاص). هم چنین عقل، هیچ مانعی برای زنده شدن مردگان پس از مرگ تصور نمی‌کند؛ بلکه وقوع آن را درک می‌کند. پس باید رجعت را که درباره این جهان است، بپذیرد؛ چون امکان حیات مجدد را در روز رستاخیز پذیرفته است. زن، از آغاز آفرینش تا کنون، دوران‌های تلخ و شیرینی را سپری کرده است؛ گاه همراه

با حرکت انبیای الهی، گام به گام همراه آنان بوده و دوشادوش مردان صالح، از پیامبر زمان خود حمایت کرده است؛ همانند ماشطه که حاضر می‌شود خود و فرزندان‌ش در آتش بسوزند؛ اما لحظه‌ای از ایمان به خدا دست بر ندارد.

زنان، اولین کسانی هستند که افتخار آموزگاری بشر را به عهده گرفته‌اند و دامان‌شان کانون شکل‌گیری تمام فضیلت‌ها است؛ پس حق است که در روایات و احادیث، بر رجعت به نام زنان مؤمن خاص اشاره شود و او هم در این امر بزرگ آخرالزمان حضور داشته باشد.

یکی از مواردی که از این بحث نتیجه می‌شود، این است که کسانی که برای انتقام و تنبیه به دنیا برمی‌گردند، هرگز به میل و اراده خود بر نمی‌گردند؛ بلکه ناگزیر تن به رجعت می‌دهند که رجعت برای آنها بسیار ذلت‌بار و سخت است؛

ولی درباره مؤمن به نظر می‌رسد رجعت اختیاری خواهد بود. امام صادق علیه السلام فرمود:

هنگامی که حضرت مهدی علیه السلام قیام کند، مأموران الهی، در قبر با اشخاص مؤمن تماس می‌گیرند و به آنها می‌گویند: «ای بنده خدا! مولایت ظهور کرده است. اگر می‌خواهی به او پیوندی، آزاد هستی، و اگر بخواهی در نعمت‌های الهی متنعم بمانی، باز هم آزاد هستی»^۱.

پس اگر می‌خواهیم در زمره یاران امام زمان علیه السلام باشیم، اگر می‌خواهیم به اراده و لطف پرورگار، گل روی مهدی فاطمه علیها السلام را در دنیا بینیم و بتوانیم فرد مفیدی در حکومت او باشیم، از همین لحظه با مهدی علیه السلام پیمان ببندیم و خود را با برنامه‌ها و خواسته‌هایش که جز راه جدش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امیرمؤمنان علیه السلام نیست، تطبیق دهیم.

۱. طوسی، غیبت، ص ۴۵۹؛ محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۹۱.

نتیجه

پس براساس براهین عقلی و نقلی، رجعت، باوری است قابل دفاع؛ یعنی می‌توان هم از منظر عقل به اثبات و توجیه آن همت گماشت و هم از منظر عقل به معقول بودن رجعت پی برد.

طبق اعتقادات شیعه، رجعت یعنی بازگشت افراد به دنیا؛ البته افراد خاصی که یا از لحاظ ایمان در مرتبه عالی قرار دارند و یا از لحاظ کفر و نفاق در مرتبه انحطاط قرار دارند (به تعبیر دیگر، مؤمنان و کافران محض) تا در همین دنیا به پاداش و عذاب دنیایی نائل آیند. در این میان، زنان نیز از رجعت‌کنندگان هستند، یعنی زنان مؤمن به سبب ایمان‌شان و زنان کافر و منافق به دلیل کفر و نفاق‌شان به دنیا باز می‌گردند.

اثبات اصل رجعت در جایگاه یک باور اسلامی، و فلسفه و اهداف آن، و نیز کیفیت رجعت و افراد رجعت‌کننده و مواردی از این قبیل را، آیات و روایات فراوانی بیان کرده‌اند که در این مقاله، به آنها اشاره شده است.

